

اکتشافات

شهر قدیمی اوگاریت

در سوریه شمالی

که در ۱۴ قرن ق. م ویران شد

بقلم پرفسور کلود

(رئیس هیئت انجرامی)

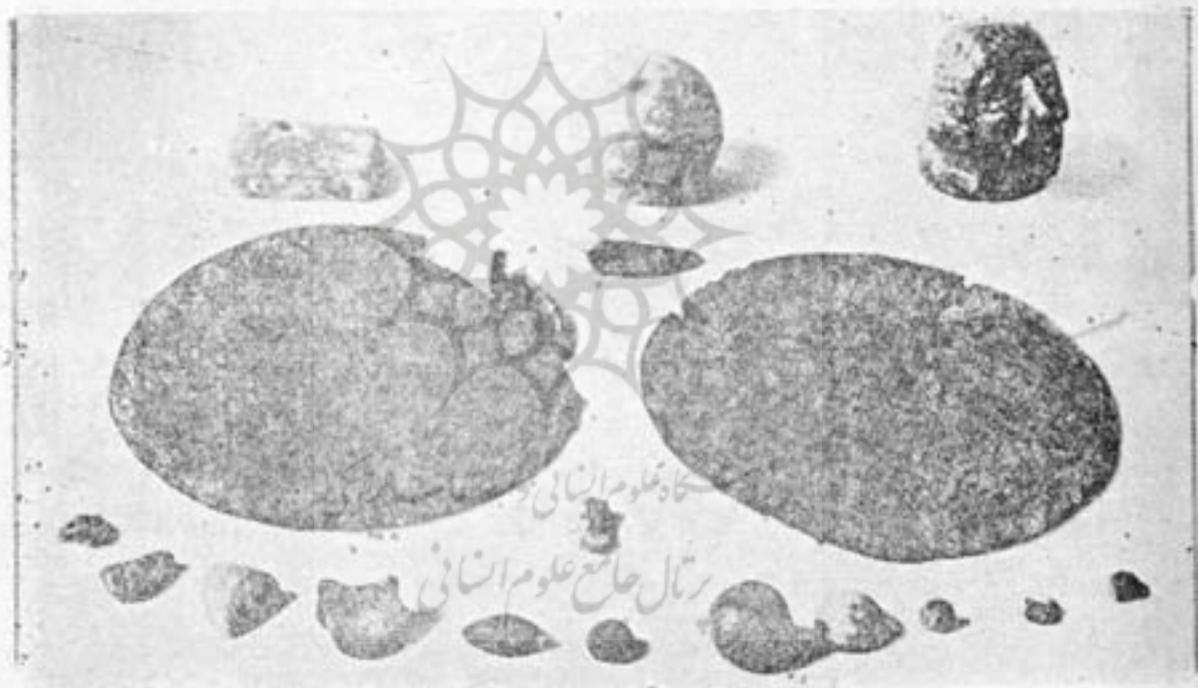
هشتمین دوره حفريات در تل داس شامرا، که در سوریه شمالی واقع شده با موفقیت کامل انجام گرفت. قسمت عمده حفريات ما در اراضی شمال غربی یا بتخت معظم و قدیمی سلطنت اوگاریت متمرکز یافته بود. در طبقات فوقانی شهر که خاک روی آن رداشته شد سه سطح معینی از خانه های مسکونی پدیدار گردید. این عمارتها از روی تاریخ باخرین و مرفی ترین ادوار اوگاریت متعلق می باشند. یعنی آبادی آنها از قرن یازدهم شروع شده و تا قرن دوازدهم قبل از میلاد امتداد یافته. در پائین تر از طبقات مسکون فوق به ردیفی از عمارتها برخوردیم که به آخرین دوره آبادی شهر مربوط می باشد که در آغاز قرن دوازدهم قبل از میلاد بدست عده ای از اهالی دریا نورد بکلی محو و خراب شده اند. چنانکه از آثار کشف شده معلوم میشود زندگی در این خانه ها بطور آبی و ناگهانی موقوف و متروک گردیده است.

در زیر این عمارتها سه سطح دیگری از شهر برخوردیم که در آن اغلب خانه ها دارای مقبره فامیلی مخصوص بوده که در زیر طبقه پائین خانه ها قرار گرفته. این طبقه از شهر قرن سیزدهم و نیمه آخرین قرن چهاردهم قبل از میلاد متعلق میباشد. در این دوره شهر اوگاریت بیک مهاجرنشین واقعی از اهالی ایزبا و مایسین تبدیل گشته و تجارت رایجی با عمالک ساحلی مدیترانه شرقی برقرار نموده بود. تجار متمول شهر برای خود عمارتهای بسیار مرتب و قابل آسایشی ساخته بودند که دارای چندین اتاق مسکونی بوده. طبقه پائین هر عمارتی حاوی انبارهای ذخیره و اطاقهای مخصوص به کارگران بوده و برای خدمت گذاران محوطه علیحدت اختصاص یافته بود. اشیاء مختلف متروک و با اشیائی که بدست صاحبان قدیمی آنها پنهان گردیده بود ما را به تشخیص حرفه بعضی از اشخاص معروف اوگاریت قادر نمود. یکی از آنها زرگری بوده که طلا آلات ظریفی می ساخته.

در يك نقطه دیگری قالبها و سایر آلات زرگری صنعت کار دیگری را کشف

نمودیم که بنا به يك علت مجهولی ترازوی خود را درزبر خاك اطافی پنهان کرده بود . این ترازو از دو کفه مدور برونزی ترکیب یافته و چهار طرف آنرا برای آویختن از ریسمانی سوراخ کرده اند . در پهلوئی آن اوزان مختلفی کشف گردید که کوچکترین آنها با اندازه ۲۵۰ گرم وزن دارد . اکتشاف فوق طرز مخصوصی از اوزان را فاش میسازد که با دقت و مهارت کامل ترتیب یافته و بکلی متفاوت با اصول اوزانی است که اهالی بابل و یا سامره بر روی عدد ۶۰ بنا نهاده بودند و بطور عمومی در شرق قدیم متداول گردیده بود . در حقیقت میتوان گفت که اوزان کشف شده اخیر با اصولی از اوزان منسوب میباشند که بنی اسرائیل در زمان موسی بکار می بردند .

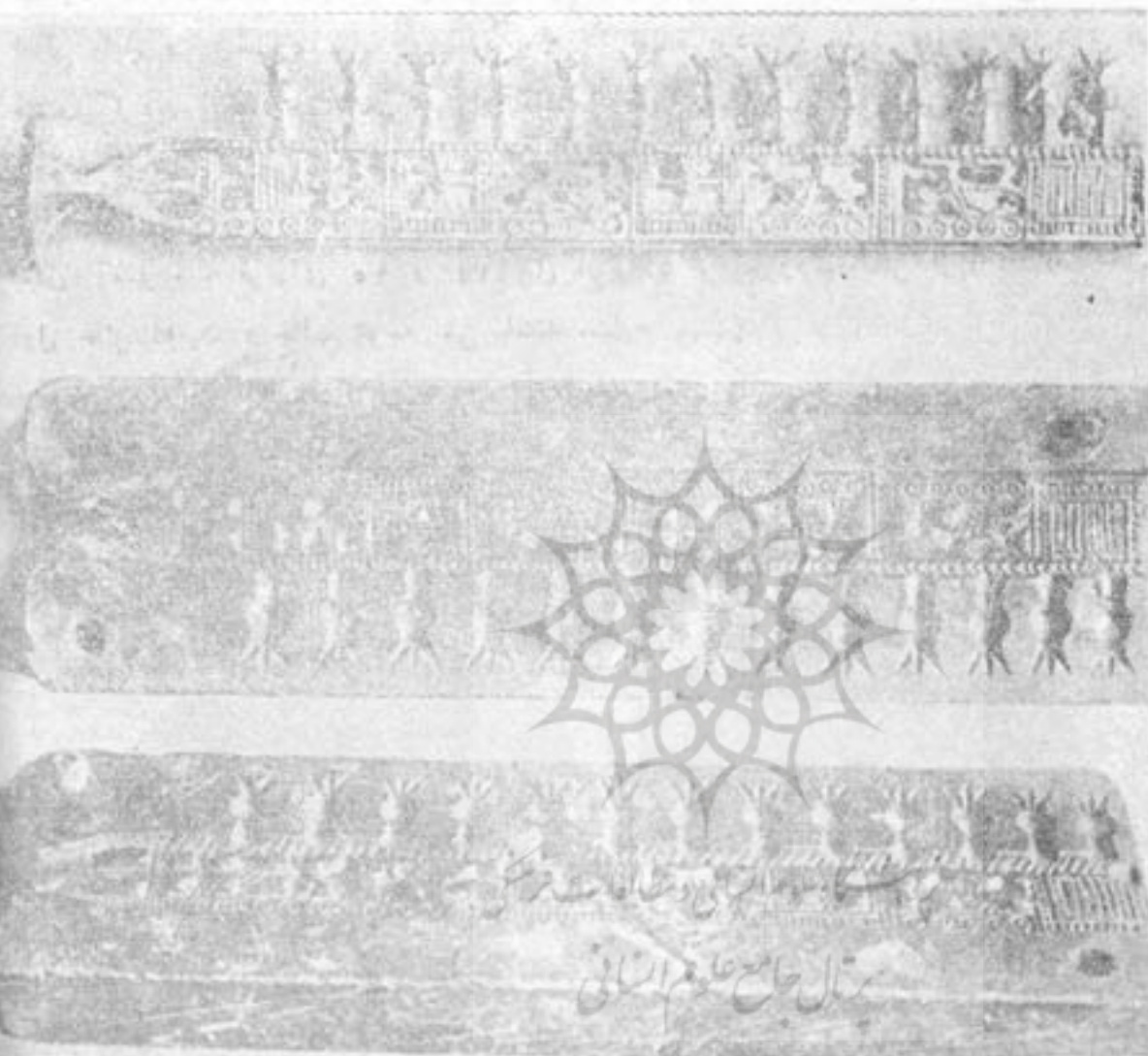
همچنین اکتشافاتی که در نتیجه حفاریات درخراپه های قسمت فنیقی شهر اوگاریت بعمل آمده و به قرنهای ۱۵ و ۱۴ قبل از میلاد برمیخوردند کمتر از اکتشافات قسمت اول حائز اهمیت و جالب توجه نمی باشند .



کفه های ترازو و وزنه های یکی از زرگران اوگاریت

وضعیت عمارتها که نقشه آن از طرف دانشمندان اعزامیه بدقت طرح گردیده علائم زمین لرزه شدیدی را نشان میدهد . در اثر تجربیات چندین ساله بخوبی واضح شده است شهر هایی که در سواحل و یا جزایر مدیترانه شرقی واقع شده اند از جملة نقاطی میباشد که همواره در آنها زمین لرزه های شدیدی وقوع یافته و می یابد . درازمنه گذشته و در عصر حاضر مابسیاری از شهرهای ساحلی فوق بطور کلی محو و معدوم گردیده اند . اشیاء عتیق و همچنین گزارشی که درباب وضعیت اوگاریت پادشاه « نیره » به « آمینو فیس چهارم » نوشته و در نل الامرنا کشف گردیده است مارا قادر مینماید که تاریخ زمین لرزه مدعش

فوق را بطور نخمین مبین کنیم . بطوریکه قرائن فوق نشان میدهند زمین لرزه مز
در اواسط قرن ۱۴ قبل از میلاد وقوع یافته و شهر اوکاربت را بکلی خراب نمود .
این اکتشاف برای تعیین تاریخ مترادف طبقات فوقانی تل‌راس شامرا دانست



نمونه ای از قالب‌های زرگری بایک پارچه از طلا که باهمان قالب ساخته شده

عتیقه متعددی که از آن پیدا شده فوق العاده مفید میباشد . اکتشاف فوق مخصوصاً قدیم
فوق العاده متن‌های میخی را که از کتابخانه و سایر عمارت‌های اوکاربت بدست آمده نشان
مینماید . اغلب این الواح مخصوصاً آنهایی که افسانه‌های مذهبی قبل از دوره فنیقی‌ها
فاش میسازند عملاً در میان و یا زیر توده‌های خاکی کشف شده‌اند که در اثر خرابی

خانه ها در ویم متراکم گردیده اند . و همین دلیل ممکن نیست آنها به مد از سیزده قرن قبل از میلاد متعلق بوده باشند .

در ضمن حقریات اخیر مقداری از الواح کشف شده که خطوط یکی از آنها شبیه به خط میخی مخصوصی است که غالباً در الواح تاریخی راس شامرا متداول بوده . این سند تاریخی صورت اشخاصی را نشان میدهد که در معابد مهم اوگاریت خدمت می کرده اند . لوح مزبور درك صحیحی از تشکیلات داخلی این معابد بزرگ و ثروتمند را بدست میدهد بنا به تشخیص «سیو ورسورد» که الواح فوق را ترجمه و کشف نموده در این سند مراجعات مخصوصی در مورد خوانندگان و استادان و سایر اعضای معبد را بعمل آورده . در ضمن اسامی مختلف که اغلب آنها سامی است میتوان اسم «آزان» را بخوبی تشخیص داد . آزان پسر یکی از شاهزادگانی بوده که حضرت «وسی وبرا» به پیشوائی قبایل بنی اسرائیل انتخاب نمود . در ضمن الواح دیگری که بطرز میخی بابل نوشته شده اند قرار داد های مختلف و جالب توجهی مشاهده میگردد که بمنظور فروش املاک در میان همچنان در میان الواح فوق وصیت نامه شخصی کشف شده که در حضور شهود آن زمان با دقت و استحکام تمام مهور شده مطابق مندرجات آن وصیت نموده تمام هستی خود را باضمام غلامان و کنیزهای خود به زنتش واگذار مینماید و در قسمتی از آن به دو پسر خود نوصیه میکند که با مفاد وصیت نامه مخالفت نورزیده و احترام مادر خود مراعات کنند . مجازاتهای معینی نیز برای نقض این وصیت نامه مقرر گردیده . سند فوق بخوبی ثابت مینماید که در جامعه ۳۰۰۰ سال قبل اوگاریت قانون حق وراثت بیشتر از عصر حاضر نسبت به بیوه زنان مساعد بوده . همچنان بنا بمندرجات لوح دیگری که در چندی قبل کشف شد در موقع صغر سن پادشاه ملکه مادر او تمام اختیارات کشوری و دولتی اوگاریت را عهده دار گردیده و نائب السلطنه شناخته می شد . موقعیت اجتماعی زنان مخصوصاً مادر های خانواده بدون تردید در کشور فوق بسیار رفیع بوده . این خود ثابت مینماید که جهت نویسنده این قلمی بنی اسرائیل که اهالی قدیمی نعان را از حیث اخلاقی عقب مانده معرفی مینمودند بر این اساس بوده .

در ایام این ادعا سند دیگری نیز اخیراً کشف شده . این سند نوشته ایست که شوهر خواهر پادشاه اوگاریت در موقعی که بمأموریت دوری رفته بود بمادر خود نوشته . بنا به ترجمه «سیو دورم» مفاد نوشته فوق از اینقرار می باشد :

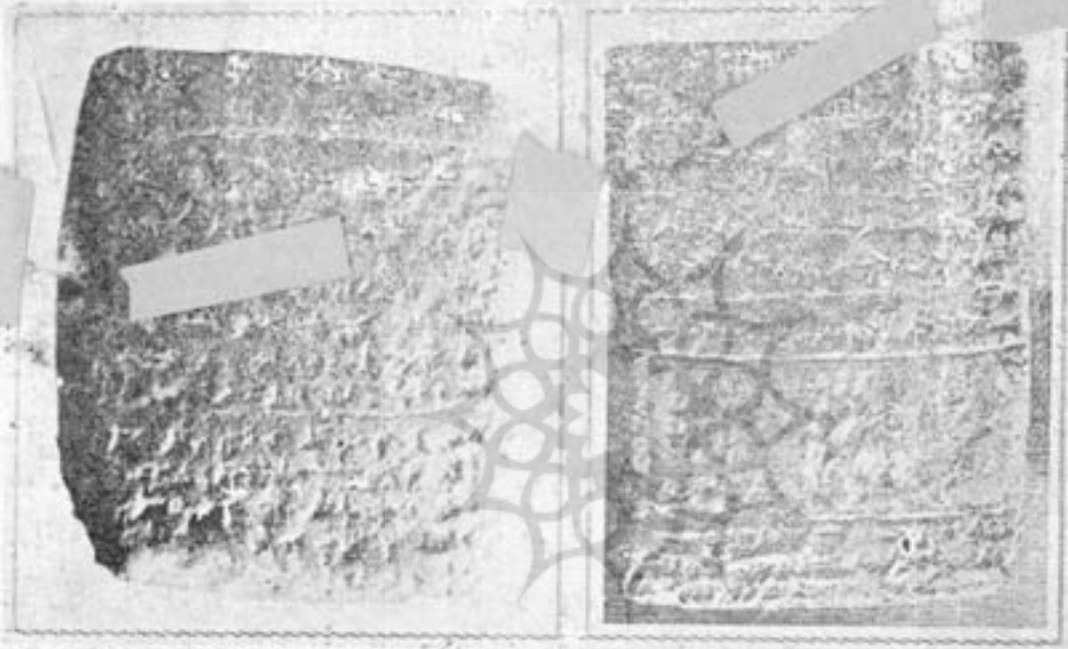
«به مادر عزیزم آدانانی :

سلام و درود از طرف نالامیانی شوهر خواهر پادشاه و خدمت گذار تو . از فرسنگها راه مرانب بندگی خود را به آدانانی عرضه میدارم . خدایان تو را حفظ فرمایند و تو را صحیح و سالم نگاه دارند .

بعداً نویسنده مادر خود را از پیشرفت و خاتمه مأموریت خود آگاه میسازد و نامه را بطریق ذیل به پایان میرساند :

«امیدوارم در جواب این نامه تمام اخبار خوب را به خدمت گذار خود خواهی نوشت .»

در ضمن الواحی که اخیراً کشف شده نامه دیگری است از پادشاه قلقمیش به پادشاه اوگاربت. این مراسله جوابیه راجع به برده‌ای است که از قبایل صحرا نشین خریداری شده و به قلقمیش برده اند. در همین نامه موضوع دیگری نیز مطرح شده و مطلب به ۹۰۰ نفر زندانی مربوط میباشد که در قلقمیش محبوس شده اند و یکی از آنها را عدلیه اوگاربت متهم بسرقت دانسته و بمنظور مجازات او را از دولت قلقمیش مطالبه می‌نماید. در محلی از عمارت‌های طبقات فوقانی خزانه کوچکی از سکه‌های نقره یونان بدست آمده که به قرن ششم قبل از میلاد متعلق میباشد. نظیر این سکه‌ها تا حال کشف نگردیده و فوق العاده نادر و جالب توجه میباشد. در میان سکه‌های فوق (سکه‌های نیمه)



تصویر سمت راست مراسله پادشاه قلقمیش پادشاه اوگاربت
و تصویر سمت چپ يك وصیت نامه را نشان میدهد

ذوب شده نیز هست و قسمتی از سکه را ذوب نموده به شمش نقره مبدل نموده اند. ذوب سکه‌های نقره در همان محل شروع گردیده ولی عمل ذوب بطور ناگهانی قطع گردیده و نیمه کاره باقی مانده است. باقیمانده سکه‌ها و شمش‌های نقره را در ظرفی گذاشته و در زیر خاک پنهان نموده بودند. تاریخ دفن این سکه با فتح سوریه بدست لشکر ایران در اواخر قرن ششم قبل از میلاد مطابقت مینماید. لابد حادثه فوق مهاجرین یونانی را که در میان خرابه‌های شهر اوگاربت مسکن گزیده بودند مضطرب و پریشان نموده و بدفن سکه‌ها و اوار کرده است. پس از فتح سوریه بدست لشکر ایران بنا به فرمان داریوش اول پایتخت ایالت سوریه به (لودشیا) انتقال یافت که فعلاً (لاناکیا) نامیده میشود در ۱۲ میلی جنوب راس شامرا واقع گردیده است. پس از تصمیم فوق آخرین شعاع نوری تل راس شامرا بطور ابدی خاموش گردید و اوگاربت، آن مرکز مشعشع و آن شهر متمدن و تروتمند ساحلی شرق قدیم، در ظلمت قرون گذشته بکلی ناپدید شد.